

<b>حدیث روز:</b>
پیامبر اسلام(ص)محبوب‌ترین کارها در پیشگاه خدا، شادی‌ای است که به مؤمن رسانی، گرسنگی‌اش را برطرف کنی یا اندوهِش را بزدایی.
<b>پلک احساس:</b>
ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل‌رمیده ما را انیس و مونس شد

<b>اوقات شرعی:</b>
اذان ظهر: ۱۷/۵۰
اذان مغرب: ۱۷/۱۳
اذان صبح (فردا): ۵/۲۰
غروب آفتاب: ۱۶/۵۴
نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۷
طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۸



## حاج معماری در لابه‌لای مکعب‌ها

برای مراسم ختم پدر دوستی باید می‌رفتم.

اتفاقی به دوستی‌گفتم او هم عازم قم بود. آمد دنبالم همسفر شدیم او هم برای ختم عزیزی از کسانش به قم می‌رفت. جاده بارانی بود دیر رسیدیم، نمی‌شد مرا به مجلسی که می‌خواستم، بروم، برساند.

میدان هفتاد و دو تن خدا حافظی کردیم و قرار گذاشتیم برای دو ساعت بعد در صحن حرم حضرت معصومه علیه‌السلام. میدان هفتاد و دوتن تا مسجدی که باید می‌رفتم از روی نقشه هفده دقیقه راه بود. يك ماشین صدا کردم و مقصد را گفتم و قیمت را بستیم و نشستیم، سر صحبت را واکردم، چهل و یکی دوساله می‌زد.

گفتم: مسافركشی شغل‌تان است؟ گفت: نه درس می‌خوانم! گفتم: دانشجویید؟ گفت: نه طلبه ام! گفتم: چه پایه‌ای؟ گفت: درس خارج می‌خوانم!

تعجب‌آور بود، طلبه درس خارج خوانی که مسافركشی می‌کند! گفتم: شهریه کفالتان را نمی‌دهد؟ گفت: خیلی به خاطر پولش نیست! گفتم: چطور؟ گفت: شهید بهشتی، معماری می‌خواندم، ارشدم را که گرفتم حس کردم چیزی اضافه نشد به من، دنبال چرایی بودم، چرایی نقش جهان، چرایی، ارگ بم، چرایی شهرسوخته، چرایی تخت جمشید. گفتم: خب. گفت: همه مکاتب فلسفی اولین نمودشان در غرب روی معماری پیاده می‌شد. رنسانس، میمنامالیسم، مدرنیسم و پست مدرنیسم همه بروز و ظهورشان از اول روی بناها و معماری‌ها اتفاق افتاد. از دانشکده معماری آمدم فلسفه دین بخوانم که خانه‌هایی که قرار است بسازم فلسفه‌ای پشتش باشد. مکعب نسامم بالا بروم و بعد بروم سراغ مکعب بعدی.

بعد از طرح موزه‌ای که به او پیشنهاد شده بود برای طراحی‌اش گفت و گفت: پشت موزه منگور قبرستان است و جلوبیش پارک، این موزه بین مرگ و زندگی قرار دارد. مسافركشی می‌کنم با مردم حرف می‌زنم و از لابه‌لای حرف‌هایشان به چیزی می‌رسم بعد یادداشتشان می‌کنم يك روزی يك جایی به‌کارم می‌آیند. دیگر به مقصد رسیده بودیم. پیاده شدم و کرایه‌اش را تقدیم کردم و حاج‌معمار ما لابه‌لای مکعب‌های بی‌قواره شهر گم شد.

## طلاق پرسر و صدای هالیوودی

رابرت دنیرو بازیگر برنده جایزه اسکار پس از ۲۰ سال زندگی مشترک از همسرش جدا شد. به گزارش خبرنگاران، رابرت دنیرو در ۷۵ سالگی از گریس هایتاور همسر ۶۳ ساله‌اش جدا شد. این خبر به نقل از منبعی ناشناس در نشریات معتبر سینمایی آمریکا منتشر شده است. دنیرو هنوز واکنشی به انتشار این خبر نشان نداده است. بازیگر «گاو خشمگین» سال ۱۹۹۷ با گریس هایتاور ازدواج کرد که حاصل آن يك پسر ۲۰ ساله و يك دختر شش‌ساله است. این بازیگر برنده دو جایزه اسکار همواره تلاش می‌کند تا حد امکان اخبار زندگی خصوصی خود را از دسترس رسانه‌ها دور نگه دارد. نام او در چند وقت اخیر بیش از اخبار سینمایی در اخباری درباره سیاست به چشم می‌خورد. دنیرو از متنقدان سرسخت دونالد ترامپ است.



دنیرو سال ۱۹۹۹ نیز درخواست طلاق کرده بود و مدتی دنبال گرفتن حضانت پسرش بود اما سرانجام طلاق به سرانجام نرسید.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008 از ACS registrars



پنجشنبه ۱ آذر ۱۳۹۷ | ۱۴ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۵۶ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Thursday - 2018 Nov 22

<b>پیش‌بینی آب و هوا جمعه</b>	<b>تهران</b>	<b>اصفهان</b>	<b>ارومیه</b>	<b>بوشهر</b>	<b>رشت</b>	<b>زنجان</b>	<b>مشهد</b>	<b>کرمان</b>
۱۶ / ۹	۱۵ / ۴	۱۳ / ۲	۲۴ / ۱۹	۱۶ / ۱۰	۱۱ / ۱	۱۹ / ۹	۲۱ / ۴	۲۱ / ۴

گفت‌وگو با سعید بیابانکی، شاعر طنزپرداز

# شعر امیدبخش آب‌روی آتش است

هزار دست، پر از خواهش‌اند و گوش به زنگ / که آن‌ا ناترین، روز چیدنش برسد... این یکی از زبیت‌های اشعار سعید بیابانکی است، شاعرزاده و بزرگ‌شده اصفهان. شاعری که آداب شاعری و چیدمان کلمات برای ابراز يك احساس در قالب شعر را بلد است، بیخودویی بهت نمی‌نشیند کلمات را مسلسل وار کنار هم قرار دهد و دلخوش باشد که شاعری کرده، او در شعرش نه در پی کرشمه و ادا و اصول است و نه پیچیده‌گویی. بیشتر دوست دارد، زندگی را در قالب کلمات جانمایی کند. گاهی هم طنز می‌شود و می‌سراید: با آمدنت کمی به‌روزم کردی / تابیدی و ماه شب‌فروزم کردی / هم سوخت دلم ز رفتنت هم پدرم / با رفتن خود دو گانه‌سوزم کردی!



**■ حال و هوای پاییز امسال برای شعر و شاعری چطور است؟** از قدیم گفته‌اند، پاییز، بهار شاعران است. فصلی که طبیعت پر از رنگ شده و می‌توان آن را نمایشگاه رنگ دانست. شاید برخی آدم‌ها از کنار این دنیای رنگ بی‌تفاوت عبور کنند اما شاعران چون شاخک‌های تیزی دارند، زیبایی‌های پاییز را بیشتر احساس کرده و آنها را در اشعار خود بازنمایی می‌کنند. مهم‌تر از رنگ‌ها آفریدگاری است که پشت همه این زیبایی‌ها قرار دارد. **■ قرن‌هاست پاییز تکرار می‌شود با همان رنگ‌های همیشگی اما شاعران معمولاً به تکرار نمی‌افتند در وصف پاییز و می‌توانند هر سال شعر تازه‌ای برای این فصل داشته باشند؟**

چنین نیست که شاعران در پاییز فقط در وصف زیبایی‌های این فصل شعر بگویند، بلکه زیبایی‌های پاییز چنان مسحورکننده و شگفت‌انگیز است که به شاعر انگیزه می‌دهد درباره موضوعات مختلف شعر بگوید: شعر عاشقانه، اجتماعی و... اشعاری که درباره پاییز سروده شده آن قدر زیبا و با معناست که برای شاعران دیگر جایی نمی‌گذارد که بهترین آن متعلق به منوچهری دامغانی است، آنجا که می‌سراید: خیزید و خز آرید که هنگام خزان است... این شاعر پاییز را به کارگاه رنگری تشبیه کرده که همه را مبهوت می‌کند. پاییز فصل خیال‌انگیزی است و بهترین زمان برای سرودن شعر.

**■ زنده‌یاد حسین بنای می‌جایی گفته: شاعران دیوانه به من آموختند تا از جهنم زندگی برای خود بهشت بسازم... به نظر بهترین توصیفی است که می‌توان از شاعر داشت و این‌که چگونه يك شاعر می‌تواند حال و هوای متفاوتی را به مردم القاکند. شاعران از چه زاویه‌ای به دنیا نگاه می‌کنند که می‌توانند حال مردم را خوب**

**■ گفتند؟ حال خودشان خوب است یا قدرت این را دارند که انتقال‌دهنده حال خوب باشند؟**

این يك پرسش قدیمی است که حتی زمان دانش‌آموزی از معلم‌ها می‌پرسیدیم که شعر به چه دردی می‌خورد؟ وقتی مجبورمان می‌کردند اشعار حافظ و سعدی را از بُر کنیم. بعد که بزرگ شدیم فهمیدم اگر شاعران نباشند، تحمل زندگی چقدر دشوار می‌شود. شاعران نیازهای عاطفی آدم‌ها را برآورده می‌کنند. هر آدمی در زندگی گاهی در شرایط دشوار قرار می‌گیرد، گاهی احساس می‌کند به پایان زندگی رسیده و فردایی وجود نخواهد داشت؛ در چنین شرایطی شعر می‌تواند نجات‌دهنده باشد. يك شعر امیدبخش مانند آبی است بر آتش درون.

این کار بزرگی است که شعر به عهد دارد و به داد همه آدم‌ها در هر مرتبه اجتماعی و طبقاتی می‌رسد. شعر به خلوت محرمانه آدم‌ها نفوذ می‌کند، جایی که گاهی فقط دو نفر هستند و خدای‌شان و آن دونفر شعری از يك نفر سوم (شاعر) را زمزمه می‌کنند. شعر به خلوت‌هایی نفوذ می‌کند که هیچ هنری نتواند به آن راه پیدا کند. ریباتر از این مگر داریم که دو آدم عاشق به یکدیگر شعر هدیه بدهند! کار بزرگ شاعران پیوند دادن دل‌ها به یکدیگر است و این‌که زندگی را تحمل‌پذیر می‌کنند. دنیای بدون سعدی، حافظ و مولانا و... دنیای زشتی خواهد بود.

**■ چه اتفاقی می‌افتد که شاعر با چیدن کلمات کنار هم مخاطبان زیادی را با خود همراه می‌کنند؟** شاعران بر آریکه سخن سوزاند و هرگز نمی‌توانند دروغ بگویند. همین‌که کلمات آنها راست می‌گویند باعث نفوذ شعر بر دل و ذهن مردم است. شعر بی‌نقاب که تعبیر دکتر زرین‌کوب است، در چنین بزنگاه‌هایی خود را نشان می‌دهد. اتفاقاتی در جهان

**■ یعنی شاعر نگاه عمیق و متفاوت به زندگی داشته باشد؟** دقیقاً! باید زندگی را در شعر خود بازآفرینی کند! همان اتفاقی که در اشعار فروغ، سهراب، اخوان و... افتاده است. ما هم چون متصل به این شاعران

<b>■ شایه ۳۵-۱۳۵۱۷-۳۶۳۷۰ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir, www.jamejamdaily.ir پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir</b>	<b>■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۳۹ ■ تلفن: ۰۲۳۰-۲۳۰۴۰۰۰ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۶۲۵۲ ■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۳۳۰ ■ امور مشترکین: ۴۴۲۶۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۴۰۳۲۰ ■ پیامک: ۳۰۰۱۱۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲ ■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)</b>
--	--

<b>کافه میرداماد</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>	<b>کافه</b>
۲۱ / ۴	۱۹ / ۹	۱۱ / ۱	۱۶ / ۱۰	۲۴ / ۱۹	۱۶ / ۱۰	۱۱ / ۱	۱۹ / ۹	۲۱ / ۴



رخ می‌دهد، رسانه‌ها، متفکران، سیاستمداران و... به آن واکنش نشان می‌دهند اما بعد از گذشت چندین سال همه این واکنش‌ها فراموش می‌شود بجز اشعاری که درباره آن اتفاق سروده شده. چون صداقتی که در شعر هست در بقیه چیزها نیست. قدرت شاعران در ماندگاری کلامشان است. نکته جالب دیگر این است که شعر بدون حضور شاعر می‌تواند به همه نقاط دنیا سفر کند. شعر نیاز به دستگاه تکثیر ندارد! نهاد و فطرت و ذات زبان انسان‌ها آن را حفظ کرده و سینه‌به سینه نقل می‌کند.

**■ در اشعار شما با کلمات و واژه‌های پیچیده روبه‌رو نیستیم، زندگی روزمره در شعر شما جریان دارد، گاهی هم طنز می‌شوید و با اشیاء و افراد شوخی می‌کنید، این نوع شاعری برای چیست، سادگی و عبور از اتفاقات پیرامون یا می‌خواهید سبک خاص خودتان را داشته باشید؟** عمده تفاوت شعر امروز و دیروز (قبل نیما و بعد نیما) در این است که نیما شعر را به متن زندگی نزدیک کرد. شاعران قدیم بیشتر از اشعار قدما الهام می‌گرفتند اما نیما کاری کرد که شاعران از زندگی الهام بگیرند! به نظر شعری موفق و ماندگار است که از زندگی الهام بگیرد، یعنی مخاطب شعر، زندگی و دغدغه‌های خود را در شعر ببیند. شاعر امروز باید گرانی، ترافیک، دود و ... که زندگی مردم را احاطه کرده، ببیند و در اشعار خود آنها را بازگو کند.

**■ یعنی شاعر نگاه عمیق و متفاوت به زندگی داشته باشد؟** دقیقاً! باید زندگی را در شعر خود بازآفرینی کند! همان اتفاقی که در اشعار فروغ، سهراب، اخوان و... افتاده است. ما هم چون متصل به این شاعران

**■ به آن واکنش نشان می‌دهند اما بعد از گذشت چندین سال همه این واکنش‌ها فراموش می‌شود بجز اشعاری که درباره آن اتفاق سروده شده. چون صداقتی که در شعر هست در بقیه چیزها نیست. قدرت شاعران در ماندگاری کلامشان است. نکته جالب دیگر این است که شعر بدون حضور شاعر می‌تواند به همه نقاط دنیا سفر کند. شعر نیاز به دستگاه تکثیر ندارد! نهاد و فطرت و ذات زبان انسان‌ها آن را حفظ کرده و سینه‌به سینه نقل می‌کند.**

**■ به آن واکنش نشان می‌دهند اما بعد از گذشت چندین سال همه این واکنش‌ها فراموش می‌شود بجز اشعاری که درباره آن اتفاق سروده شده. چون صداقتی که در شعر هست در بقیه چیزها نیست. قدرت شاعران در ماندگاری کلامشان است. نکته جالب دیگر این است که شعر بدون حضور شاعر می‌تواند به همه نقاط دنیا سفر کند. شعر نیاز به دستگاه تکثیر ندارد! نهاد و فطرت و ذات زبان انسان‌ها آن را حفظ کرده و سینه‌به سینه نقل می‌کند.**



## دوقلوی خورشید پیدا شد

درست است که در حال حاضر خورشید ما زندگی خوب و تنهایی را سپری می‌کند، اما زمانی که در حدود ۴/۶ میلیارد سال پیش متولد شد عضو کوچکی از يك خانواده بزرگ با هزاران ستاره بود. به گزارش فارس، اعضای خانواده خورشید از آن زمان که در سراسر کهکشان گسترش یافتند شناسایی آنها بسیار دشوار است. اکنون ستاره‌شناسان پرتغالی دریافتند که نه‌تنها خورشید عضوی از این خانواده بزرگ بوده بلکه دوقلوی شروری به نام «نمسیس» دارد که کم و بیش شبیه به خورشید است. این بدان معناست که در اطراف این ستاره مکان بزرگی برای جست‌وجوی زندگی فرازمینی وجود دارد. «وردان ادیکیان» سرپرست محققان در این مطالعه گفت: از آنجایی که اطلاعات زیادی درباره گذشته خورشید وجود ندارد، مطالعه این ستاره‌ها می‌تواند به درک ما از این‌که خورشید در کجا و تحت چه شرایطی شکل گرفته است، کمک کند. همچنین باورها بر این است که انقراض ۲۷ میلیون سال پیش دایناسورها کار این ستاره‌شورور بوده است.

<b>امروز در تاریخ:</b>
<b>■</b> انحلال پلیس جنوب از سوی رضاخان (۱۳۰۰ ش)
<b>■</b> هلاکت یزید بن معاویه در شام پس از سه سال و نه ماه حکومت (۶۴ق)
<b>■</b> درگذشت جک لندن، نویسنده معروف آمریکایی (۱۹۱۶م)
<b>■</b> تولد آندره ژید، نویسنده و شخصیت ادبی فرانسه (۱۸۶۹م)
<b>■</b> آغاز هفته روشندان

<b>حکمت ۶۲:</b>
<b>■</b> چون تو را درود گفتند، در پاسخ، درودی بهتر گوی و چون دستی از سر احسان به سوی تو دراز شد، به احسانی بیشتر، پاداشش ده و فضیلت از آن کسی است که آغاز کرده است.



پدري هر روز بسختی کار می‌کرد تا روزی خود و خانواده‌اش را تأمین کند و به‌دلیل کار زیاد، اعصاب کافی نداشت. شبی از شب‌ها وقتی پدر خسته و مانده از سر کار به خانه برگشته بود، وقتی در حال تعویض لباس و پوشیدن پیژامه راه‌راه بود، پسر کوچکش نزد او رفت و به او گفت: «بابا شما کار که می‌کنی ساعتی چنند؟» پدر گفت: «آه ای پسر، چرا چنین سوالی پرسیدی؟» پسر گفت: «حالا تو بگو.» پدر محاسبه‌ای کرد و گفت: «می‌شه ساعتی ده تومن.» پسر گفت: «می‌شه پنج تومن به من قرض بدی؟»

پدر خشمگین شد و گفت: «شما همگی مرا به‌خاطر پول می‌خواهید تا من حمالی کنم و شما خرج کنید.» آن‌گاه يك پس‌گردنی به پسر زد و گفت: «برو گمشو تو اناقت.» و پسر سرافکنده به اتاقش رفت. پدر، پس از آن‌که يك جای نوشید و اعصابش تمدد یافت، آرام گشت و به اتاق نزد پسر رفت و گفت: «پسرم، من برخورد تندی داشتم، مرا ببخش. بیا این هم پنج تومن.» پسر خندید و گفت: «مرسی بابایی.» آن‌گاه يك ۵۰۰۰ تومانی محاله از زیر بالشت بیرون آورد و به پدر داد و گفت: «می‌شه من ده تومن بدم به شما، بجاش شما به ساعت زودتر بیای خونه با هم بازی کنیم؟»

پدر که از این واقعه بشدت متاثر، اندوهناک و مستاصل شده بود و از سوی دیگر توقع چنین حمی از عواطف را نداشت، دست و پایش را گم کرد و به جای آن‌که پسر را ببوسد، با کمال تأسف بار دیگر او را کتک زد و از اتاق بیرون رفت.

## بنفش دوست‌داشتنی!

از زمانی که عرضه نسل جدید فورد GT آغاز شده، تعدادی از نمونه‌های آن را با رنگ‌های روشن دیده ایم. نمونه‌ای از آن، خودرویی است که توسط راننده مسابقه گراهام راهال خریداری شده است.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، این فورد GT دارای شماره شاسی ۲۱۸ است. رنگ آن طیف خاصی از بنفش است که در واقع از پالت رسمی رنگ‌های فورد نیست. این رنگ خاص به طور اختصاصی توسط Axalta برای راهال ساخته شده است. این خودرو بسیار زیباست و در زیر نور آفتاب می‌درخشد. رنگ بدنه آن ترکیبی از نوارهای نقره‌ای خودروهای مسابقه‌ای است. چرخ‌های فیبر کربن این خودرو سواری بسیار آن را جذاب کرده است.



هنگامی که GT جدید برای اولین بار رونمایی شد، خودروساز آمریکایی اعلام کرد که در عرض دو سال ۵۰۰ نمونه از آن را تولید خواهد کرد. با این حال، مدت کوتاهی پس از آن فورد اعلام کرد تولید این خودرو به چهار سال افزایش می‌یابد و در مجموع هزار نمونه از وارد بازار خواهند شد. سه هفته پیش این تولید برنامه‌ریزی شده گفته بود در دو سال آینده ۵۰۰ خودرو ساخته می‌شود به چهار سال و ۱۳۵۰ خودرو تغییر یافت.